

## طاق به خاطر ضامن نشدن پدرزن

**گروه حوادث/** زن جوان با دستی شکسته و گچ گرفته در حالی که در دست دیگرش پوشه‌ای قرمز رنگ به چشم می‌خورد با چشمانی اشک آلود و چهره‌ای غمگین پشت در یکی از شعبه‌های دادگاه خانواده سر به دیوار تکیه داده و منتظر رسیدن نوبت رسیدگی به پرونده‌اش بود.

دیدن این صحنه توجه مرا جلب کرد، جلو رفتم و از علت حضورش در دادگاه پرسیدم اما در حالی که بغض کرده بود به شوهرش اشاره کرد و گفت از ایشان پرسید که مرا کتک زده و به این روز انداخته است. در همین موقع مرد جوان با عصبانیت گفت: از من پرسید از پدرش پرسید که زندگی ما را نابود کرد، از او پرسید که حاضر نشد به خاطر دخترش یک ضمانتنامه ساده بانکی را امضا کند تا من وام بگیرم و از ورشکستگی نجات پیدا کنم.

در همین موقع در اتاق باز شد و منشی دادگاه آنها را به داخل فراخواند. وقتی مقابل قاضی نشستند زن جوان که کبودی روی گونه‌اش توجه قاضی را نیز جلب کرده بود، پوشه قرمز رنگش را روی میز گذاشت و گفت: آقای قاضی من طلاق می‌خواهم.

قاضی پرسید: دخترم ماجرا چیست چرا دستت را گچ گرفته‌ای؟ صورت ات چرا کبود شده برابرم تعریف کن.

قبل از اینکه سمانه حرفی بزند، شوهرش گفت: آقای قاضی باور کنید تقصیر خودش بود اجازه بدهید از اول برایتان تعریف کنم. من یک کافه دارم که محل دنج و آرامی است و دختران و پسران زیادی به آنجا می‌آیند با سمانه هم همانجا آشنا شدم و بعد هم ازدواج کردیم. البته به خاطر شیوع کرونا نتوانستیم جشن بگیریم و قرار شد پول آن را صرف زندگی و آسایش خودمان کنیم. چند ماهی که از ازدواجمان گذشته بود متأسفانه به خاطر همین کرونا وضع کار و کاسبی ما بسیار بد شد. قرنطینه و رعایت پروتکل‌ها و تعطیلی کافه‌ها باعث شد با مشکلات مالی روبه‌رو شوم و از طرفی مالک کافه هم اجازه مغازه را افزایش داد و من با سختی و ورشکستگی روبه‌رو شدم. در همین اوضاع تصمیم گرفتم از بانک وام بگیرم و به کار و زندگی ام سر و سامان بدهم اما نیاز به یک ضامن معتبر و رسمی داشتم در این میان از پدر سمانه خواستم که برابرم ضمانت کند اما قبول نکرد چون از اول هم مرا به عنوان دامادش قبول نداشت و همیشه هم سرکوفت داماد بزرگش را که البته پسر بردارش است به من می‌زد.

در این موقع زن جوان با صدای بلند به شوهرش اعتراض کرد و گفت: چقدر بی‌انصافی چرا دروغ می‌گویی چرا نمی‌گویی خودت به باجناحت حسادت می‌کنی، آقای قاضی این مرد مدام می‌گوید خاوه‌رت و شوهرش زندگی شان بهتر از ماست. هر چه آنها می‌گوید می‌گویم مدام باید بخیریم. مدام خودش را با شوهر خاوه‌رم مقایسه می‌کند و می‌گوید پدرت به آنها بیشتر از ما اهمیت می‌دهد. به همین خاطر هم مرا کتک زد.

قاضی رو به پیمان کرد و گفت: واقعاً تو همسرت را به خاطر این که پدر خانمت برای ضمانت وام نیامده کتک زدی؟

پیمان گفت: نمی‌خواستم بزمنش ولی خیلی مرا عصبانی کرد و کنترل رفتارم را از دست دادم. می‌گفت سقف ضمانت پدرم پر شده و نمی‌تواند برای تو ضمانت بکند.

سمانه با عصبانیت گفت: آقای قاضی پدر من نمی‌توانست ضمانت کند. این برگه‌ها را نگاه کنید اینها حرف من و پدرم را اثبات می‌کند ولی این آقا اصلاً قبول نکرد و در خانه پدرم به او توهین کرد وقتی از آنجا بیرون آمدم در مسیر با من هم دعوا کرد و بعد از توهین با عصبانیت مرا از ماشین پرت کرد پایین که شانس آوردم و فقط دستم شکست چطور توقع دارید من با یک آدم روانی زندگی کنم من هرگز نمی‌توانم او را ببخشم.

این حرف سمانه باعث بحث و جدل بین او و پیمان شد. مرد جوان هم گفت حالا که اینجوری شد طلاقت نمی‌دهم آنقدر در بلا تکلیفی پیمان تا خسته شوی، من می‌خواستم از تو و پدرت عذرخواهی کنم اما انگار فایده ندارد. سمانه هم با ناراحتی گفت: هم طلاقم را می‌گیرم هم ۶۰۰ تا سه مهره‌ام راه، این تو هستی که باید تا آخر عمر سرگردان باشی.

قاضی که از دیدن این صحنه و بحث و دعوا ی زوج جوان ناراحت شده بود، گفت: صدور طلاق به این راحتی نیست شما باید دو ماه به کلاس‌های مشاوره بروید پس از این که یک کارشناس خانواده تأیید کرد که شما مناسب هم نیستید آن وقت حکم طلاق را صادر می‌کنم فعلاً بایاید این صورتجلسه را امضا کنید و بروید.

### ■ امیرحسین صفدری - کارشناس حوزه خانواده

در این پرونده آنچه بسیار مشهود است رفتارهای غیرمنطقی و کودکانه مرد جوان است که با لجاجت، بی‌احترامی، مقایسه غیرمنطقی زندگی‌اش و توقعات بیجا از خانواده همسرش باعث برهم خوردن آرامش زندگی و ایجاد اختلاف شده است. او باید بداند که تحت هیچ شرایطی حتی زمانی که عصبانی است نباید به همسرش و خانواده او توهین کند. نباید زندگی مشترک خود را با زندگی مشترک دیگران مقایسه کند چرا که این موضوع باعث ایجاد تنش می‌شود.

از سوی دیگر، وی به جای این که از رفتارهای نادرست خود عذرخواهی کند و درصدد جبران آن باشد با لجاجت و خودخواهی به دنبال ایجاد تنش دیگر است.

زوج‌های جوان باید بدانند تاوان اشتباه عذرخواهی و جبران است و با لجاجت و توهین فقط هر چه بیشتر زندگی مشترکشان به بن‌بست خواهد رسید.

## ۷ کشته در تصادف زنجیره‌ای جیرفت



**گروه حوادث/** تصادف خودروی حامل سوخت قاجاق در محور منوجان به هشتبندی ۷ کشته و سه مصدوم برجا گذاشت.

به گزارش روابط عمومی اورژانس جیرفت، حدود ساعت ۹ شب جمعه تماس تلفنی با مرکز ارتباطات اورژانس جیرفت برقرار شد که خبر از تصادف زنجیره‌ای یک خودروی پژو و دو خودروی برابرد و دو موتورسیکلت می‌داد.

ابراهیم محمدی رئیس اورژانس پیش بیمارستانی جیرفت گفت: در کمترین زمان ممکن سه دستگاه آمبولانس از پایگاه‌های سراسر، منوجان، ونودژ به محل حادثه اعزام شدند. متأسفانه به دلیل حمل سوخت قاجاق توسط یکی از خودروها پس از برخورد دچار حریق شده و سه مصدوم نتیجه این حادثه بوده است. مصدومان این حادثه توسط آمبولانس‌های اورژانس به بیمارستان امام حسین منوجان منتقل شدند.

# آزادی زن زندانی ۱۰ سال بعد از قتل شوهر



گرفتم از پشت بام خودم را به پایین پرتاب کنم که مردم متوجه شدند و جلویم را گرفتند.

### ■ جسدی در خانه

به دنبال اظهارات فتانه، تیم جنایی راهی محل زندگی او شده و با جسد همسرش در حالی که با شلیک گلوله به قتل رسیده بود مواجه شدند. جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و پس از تکمیل تحقیقات و بازسازی صحنه قتل، کیفرخواست فتانه به اتهام قتل عمد همسرش صادر شد. در دادگاه با توجه به درخواست اولیای دم برای قصاص و تأیید این حکم در دیوانعالی کشور، زن جوان در چند قدمی چوبه دار قرار گرفت اما چندین بار جلسات صلح و سازش برگزار شد و در نهایت اولیای دم از خون مقتول به شرط دریافت دیه گذشت کردند.

با این حال زن جوان توانایی پرداخت این پول را نداشت و در این مرحله گروهی از آخرین ساکن تهران دست به کار شدند و بخشی از پول دیه را تهیه کردند. سرانجام کمک‌های خیرین و تلاش‌های خانواده محکوم برای جمع‌آوری مبلغ دیه نتیجه داد و با پرداخت پول به اولیای دم رضایت آنها را گرفته و از آنجایی که زن جوان حدود ۱۰ سال در زندان به سر می‌برد، مدت محکومیتش به پایان رسید و آزاد شد.

دعویامان شد دیگر طاقت نیاوردم و اسلحه را به سمتش گرفتم و به زندگی‌اش پایان دادم. وقتی او خونین روی زمین افتاد تازه متوجه شدم چه اشتباهی کرده‌ام، برای سعادت خودم که از دستم رفت اما هیچ اتفاقی برابرم نیفتاد. من که خسته شده بودم تصمیم

**گروه حوادث/** زن میانسال که به جرم قتل همسرش به قصاص محکوم شده بود با کمک نیکوکاران و هیات صلح و سازش به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل سال ۹۰ رهگذران و ساکنان محله‌ای در یکی از استان‌های غربی کشور متوجه زن جوانی شدند که قصد داشت خود را از پشت بام ساختمان بی‌پایین پرتاب کند. دست‌های زن جوان خون آلود بود و لبه پشت بام ایستاده و آماده سقوط بود. با مشاهده این وضعیت، بلافاصله امدادگران آتش‌نشانی و اورژانس و پلیس راهی محل شدند. ساعتی طول کشید تا امدادگران موفق شدند زن جوان را از تصمیم خودکنشی منصرف کنند. زن جوان بلافاصله به بیمارستان منتقل شد و پس از بهبودی راز جنایتی را برملا کرد و گفت: جسد همسرم داخل خانه است، او را با شلیک گلوله به قتل رسانده‌ام. با او خیلی اختلاف داشتم، مدام مرا اذیت می‌کرد و آسایش را از من گرفته بود. دلم می‌خواست جدا شوم اما با توجه به شرایط خانوادگی که داشتم نمی‌توانستم از طرفی همسرم نیز به جدایی رضایت نمی‌داد. در نهایت تصمیم گرفتم که او را از سر راه بردارم. اسلحه‌ای تهیه کردم و روز حادثه وقتی دوباره باهم

## سرقت اسلحه برای اجرای دستوریک زن

کرد که همسر بد اخلاقی دارد که مدام او را کتک می‌زند و اذیتش می‌کند. به همین دلیل هم از همسرش شکایت کرده و به دادسرا آمده بود. او دنبال راهی بود تا همسرش را راضی کند که او را طلاق دهد.

متهم در ادامه گفت: مهشید پیشنهاد داد در مقابل دریافت پولی قابل توجه شوهرش را بترسانم و مجبور کنم او را طلاق دهد. من هم موافقت کردم اما بعد از چند روز پیشنهاد دیگری داد و گفت اگر می‌توانی او را از سر راهم بردار. برای این کار هم مبلغ قابل توجهی به من پیشنهاد داد. به همین دلیل تصمیم به سرقت اسلحه گرفتم. چندباری که به دادسرا آمده بودم، می‌دیدم مأموران اسلحه‌هایشان را تحویل می‌دهند و به فکرم رسید از آنجا سرقت کنم. از طرفی یک گوشی هم سرقت کردم تا کسی نتواند رد مرا بزند. بعد از سرقت با توجه به اطلاعاتی که مهشید داده بود، راهی خانه همسرش شدم و در مقابل خانه او به کمین نشستم تا با تهدید نقشه‌ام را عملی کنم اما قبل از هر کاری دستگیر شدم.

با اعترافات مرد جوان؛ دستور بازداشت مهشید نیز صادر شد و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

است. در نخستین گام، مأموران به بازبینی دوربین‌های مداربسته اتاقک نگهداری پرداخته و مرد جوانی را دیدند که از غفلت مأموران استفاده کرده و در فرصتی مناسب اسلحه و گوشی تلفن را سرقت کرده است.

در بازبینی دوربین‌ها چهره مرد جوان به دست آمد و تحقیقات برای دستگیری او آغاز شد. با به دست آمدن چهره مرد جوان هویت او شناسایی شد و تحت تعقیب قرار گرفت. چند ساعتی از سرقت گذشته بود که مأموران پی بردند، سارق مسلح به نام شهاب در یکی از مناطق غرب تهران دیده شده است. بلافاصله آنها راهی محل مورد نظر شده و شهاب را که داخل خودرواش در مقابل خانه‌ای به کمین نشسته بود بازداشت کردند.

شهاب ابتدا منکر سرقت گوشی و اسلحه و فشنگ‌ها بود، اما زمانی که در بازرسی از خودرواش، اسلحه و گوشی تلفن پیدا شد لب به اعتراف گشود و گفت: مدتی قبل برای انجام کاری به دادسرا آمده بودم که زن جوانی را دیدم. مهشید سر صحبت را با من باز و از شوهرش گلایه کرد. این زن را چند بار دیگر نیز در دادسرا دیدم و با هم بیشتر آشنا شدیم. او برابرم تعریف

**گروه حوادث/** مرد جوان که از سوی یک زن اجیر شده بود تا شوهرش را تنبیه کند برای انجام این مأموریت عجیب اسلحه یک مأمور بدرقه را سرقت کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، هفته گذشته مأمور بدرقه متهمان در یکی از دادسراهای تهران، سراسیمه با پلیس تماس گرفت و از سرقت کلت کمربندی‌اش خبر داد و گفت: من چند متهم را از بازداشتگاه به دادسرا آورده بودم موقع ورود کلت کمربندی را به همراه ۵ فشنگ جنگی تحویل سربازانی دادم که در اتاقک نگهداری بودند. بعد از پایان کار، زمانی که برای تحویل اسلحه به اتاقک نگهداری رفتم خبری از اسلحه نبود. در همین موقع مرد جوانی نیز که از مراجعان دادسرا بود برای گرفتن تلفن همراهش به اتاقک نگهداری آمد اما از تلفن همراه او نیز خبری نبود بنابراین فرضیه سرقت اسلحه و گوشی تلفن همراه فوت گرفت.

در تحقیق از مأموران و سربازهای اتاقک نگهداری، آنها مدعی بودند که اسلحه و گوشی را در محل مربوطه قرار داده و نمی‌دانند چه اتفاقی رخ داده

## سارقی که مزدگانی می‌خواست

سرهنگ «دوستعلی جلیلیان» فرمانده انتظامی شهرستان ری در تشریح این خبر بیان داشت: در بررسی‌های تخصصی انجام شده مشخص شد هر ۲ دستگاه تلفن همراه کشف شده از متهم مسروقه است. وی در بازجویی‌ها مدعی شد هر ۲ دستگاه گوشی را سرقت کرده است. اما بعد از سرقت با مالباخته تماس می‌گرفته و به بهانه اینکه گوشی تلفن او را پیدا کرده است بابت مزدگانی مبلغ ۲۰ میلیون ریال درخواست می‌کرده است. سرهنگ جلیلیان خاطرنشان کرد: پس از پایان تحقیقات و تشکیل پرونده متهم تحویل مراجع قضایی شد.

**گروه حوادث/** سارق تلفن همراه بعد از سرقت گوشی با صاحب تلفن تماس گرفت و به بهانه اینکه تلفن را پیدا کرده خواهان دریافت مزدگانی شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل تیم عملیاتی کلانتری ۱۷۲ حضرت عبدالعظیم العسینی (ع) در حال گشت به شخصی مشکوک شدند و در بازرسی بدنی وی ۲ دستگاه تلفن همراه هوشمند کشف کردند که با توجه به حرف‌های ضد و نقیضش او را برای بررسی بیشتر به کلانتری انتقال دادند. اما در ادامه مشخص شد متهم از مجرمان سابقه‌دار است.

## تصادف مرگبار ملی پوش قایقرانی



**گروه حوادث/** ملی‌پوش قایقرانی کانویپولوی کشورمان بر اثر سانحه رانندگی درگذشت. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، محمدرضا خزایی قایقران جوان نوشهری کشورمان که در مازندران زندگی می‌کرد باعداد شنبه بر اثر سانحه رانندگی و جراحات شدید درگذشت. خزایی در تیم ملی قایقرانی کانویپولوی فعالیت می‌کرد و سابقه قهرمانی با تیم مازندران را در رقابت‌های کانویپولوی کشور در کارنامه خود داشت.

## جنایت

### هنگام خرید موتورسیکلت

قرار شد برای معامله به خانه من بیاید روز مورد نظر با دو نفر از دوستانش آمد اما من ناراحت شدم و گفتم قرار بود این معامله بین خودمان باشد که مقتول از آنها خواست بروند وقتی تنها شدیم من گفتم ۲۰ میلیون تومان نقد می‌دهم و ۱۵ میلیون تومان هم بعد از اینکه سند موتور را به نامم بزنی می‌دهم او هم قبول کرد اما وقتی به آشپزخانه رفتم تا جای بیاورم ناگهان او از پشت به من حمله کرد. از این کارش خیلی شوکه شده بودم می‌خواستم از خودم دفاع کنم چون او چاقو زورم از او بیشتر بود نتوانست دستم را روی گردش گذاشتم و فشار دادم تا از حال رفت خودم با اورژانس تماس گرفتم چون فکر نمی‌کردم مرده باشد اما امدادگران اورژانس پس از معاینه گفتند مرده است.

مرد میانسال در ادامه گفت: من واقعاً نمی‌دانم چرا به من حمله کرد شاید فکر می‌کردم من پول بیشتری در خانه داشتم و هر وقت قصد داشت موتورش را بفروشد به من اطلاع دهد تا اینکه یک روز به من گفت می‌خواهد موتورش را بفروشد به او گفتم آن را ۳۵ میلیون تومان می‌خرم. بعد هم

**گروه حوادث/** مرد میانسال که مدعی است هنگام معامله یک موتورسیکلت مرتکب قتل شده بزودی در دادگاه کیفری محاکمه خواهد شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود یک سال قبل مرد میانسانی با پلیس تماس گرفت و گفت من دوستم را در خانه‌ام کشته‌ام. وقتی مأموران پلیس به خانه مورد نظر رفتند با جسد مردی روبه‌رو شدند که به تأیید کارشناسان اورژانس بر اثر اثر خفگی جان باخته بود. از سوی دیگر آثار درگیری و آسیب به گردن و کمر مقتول نشان می‌داد وی قبل از قتل با متهم درگیر شده بود. بدین ترتیب متهم دستگیر و جسد نیز به پزشکی قانونی منتقل شد.

متهم در بازجویی‌ها گفت: من تولیدی پوشاک دارم و این مرد برای من کار می‌کرد او با موتورسیکلتش برابرم بار جابه‌جا می‌کرد. چون موتورش خیلی خوب بود به او گفته بودم هر وقت قصد داشت موتورش را بفروشد به من اطلاع دهد تا اینکه یک روز به من گفت می‌خواهد موتورش را بفروشد به او گفتم آن را ۳۵ میلیون تومان می‌خرم. بعد هم